

## جایگاه ایرانیان در حکومت مهدوی

سکینه سعادت کیا<sup>۳۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

### چکیده

مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود حضرت مهدی (عج). این تفکر در هر دین و آیینی به گونه‌ای تجلی یافته، در فرهنگ متعالی تشیع با کامل‌ترین تصویر از این اعتقاد بزرگ همگان را به حیرت انداخته است. نهضت جهانی امام زمان به سه مقطع مهم ظهور، قیام و حکومت جهانی تقسیم می‌شود و این سه مقطع زمانی محقق می‌شود که پیش از آن شرایط آن‌ها از سوی مردم در جامعه عملیاتی شود. مسئله مهدویت هویت اصلی مسلمانان است که نزد ایرانیان یکی از اصلی‌ترین پایه‌های تداوم دین و شرط اساسی پیروزی و حاکمیت همه‌جانبه آیین قرآن بر بقیه آیین‌ها و حکومت‌های جهان است. لذا منتظران حضرت باید شناخت عمیقی از مهدویت داشته باشند. در روایات شیعه و سنی از ایرانیان به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه از یاوران امام مهدی (عج) نام برده می‌شود که نقش اساسی در شروع و زمینه‌سازی ظهور دارند. در این مقاله به نقش‌های ایرانیان در زمینه‌سازی ظهور اشاره شده است که عبارت‌اند از: حمایت همه‌جانبه ایرانیان از اسلام، زمینه‌سازی برای حکومت حضرت مهدی به‌وسیله مردی از قم، وجود تعداد بسیار ایرانیان در سپاه امام، آموزگاران قرآن در دولت حضرت مهدی.

کلیدواژگان: ایرانیان، حضرت مهدی (عج)، حکومت جهانی، شیعه، ظهور، مهدویت

<sup>۳۵</sup> سطح ۲ حوزه علمیه خواران.

## مقدمه

از مباحث مهم و اساسی دوره غیبت بحث اندیشه مهدویت و ظهور موعود جهانی است که در آیین آسمانی اسلام، جایگاه و جلوه بیشتری دارد و با وجود دلایل معتبر از آیات و روایت متواتر و قطعی، همه مذاهب اسلامی بر ظهور مهدی موعود از نسل فاطمه زهرا (س) اتفاق نظر دارند. در این میان، مهدی موعود در مذهب شیعه، هم به دلیل جایگاه اعتقادی آن و هم به دلیل دارا بودن شناسنامه روشن و پرداختن به جزئیات زندگی و چگونگی ظهورش، از اهمیت، قطعیت و شفافیت بیشتری برخوردار است. شیعه این شخصیت را به صورت مشخص معرفی می کند. او را فرزند امام یازدهم از ائمه اهل بیت امام حسن عسکری می دانند که به عنوان منجی آخرالزمان برای نجات و رهایی انسانها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. مسئله ظهور حضرت مهدی (عج) یکی از اصلی ترین سنت های الهی و یکی از اصلی ترین شرایط تداوم دین و پیروزی آیین قرآن بر دیگر آیین های جهان است. سؤال اصلی که این پژوهش درصدد پاسخ به آن است، این است که ایرانیان از چه جایگاهی در حکومت مهدوی برخوردارند؟

این مقاله برای پاسخ به این سؤال چهار مورد را به عنوان نقش ایرانیان در حکومت مهدوی بیان می کند که عبارت اند از: حمایت همه جانبه ایرانیان از اسلام، زمینه سازی برای حکومت حضرت مهدی به وسیله مردی از قم، وجود تعداد بسیار ایرانیان در سپاه امام، آموزگاران قرآن در دولت حضرت مهدی

## حمایت همه جانبه ایرانیان از اسلام

در پایان سلسله ساسانیان ورود اسلام به ایران موجب تغییرات اساسی در فرهنگ و شرایط اجتماعی ایران گردید. به گونه ای که باعث تقسیم شدن ایران به دو بخش ایران باستانی و ایران اسلامی گردید. اسلام بی شک یک نظام فکری و اعتقادی جدید به ایران داد. مردم ایران هم به پاس این افتخار از همان مهروموم های اولیه ظهور اسلام خدمات فرهنگی، فکری،

سیاسی و اعتقادی ارزنده‌ای به جامعه اسلامی ارائه کردند. آنان با تغییر مذهب خود اسلام را استوار و نیرومند ساختند. (مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ج ۱۴، ص: ۱۵۲) ایران در همان وقت که کشورها در تاریکی قرون وسطی فرورفته بودند همراه با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه‌ی آنها مشعل‌دار یک تمدن عظیم و شکوهمند به نام «تمدن اسلامی» شد. (همان، ص) تمدنی که مسبب آن رسول خدا (ص) بود. ایشان با نوشتن نامه‌ای در سال ششم هجری قمری، به دربار امپراتوری ایران، او را دعوت به اسلام نمود. عبدالله بن سہمی قریشی، نامه مهرشده به مهر پیامبر (ص) را به دربار خسرو پرویز رساند. او که این دعوت برایش سخت تمام شده بود نامه را پاره کرد زیرا آن را گستاخی مردی بزرگ از جزیره العرب علیه خود می‌دانست. وقتی خبر به پیامبر (ص) رسید او از طریق اخبار غیب حکم دریده شدن شکم خسرو پرویز توسط پسرش را می‌دهد؛ که این وعده به حقیقت می‌پیوندد. (قوم نشان شده، گزیده‌ای از صفحات ۱۷ تا ۲۰) در این زمان بود که باذان بن ساسان همراه با گروهی از ایرانیان که به ابتلا و احرار معروف بودند هسته اولیه و جدید ایرانیان مسلمان ساکن یمن را ایجاد کردند که باعث نقش‌آفرینی‌های زیادی در جهان اسلام شدند. چنان‌که باذان در سال یازده هجری در مقابل اسود بن کعب بن عوف که ادعای پیامبری می‌کرد به پاخواست و در این جنگ باذان با هفت صد سوار خود از پیامبر اسلام (ص) حمایت کرد تا به درجه رفیع شهادت نائل گردید و اولین شهید ایرانی در راه حمایت از اسلام را به نام خود به ثبت رسانید. (قوم نشان شده) این حماسه‌آفرینی ایرانیان تا جایی ادامه یافت که بالاترین تشویق‌ها و مقام‌ها را از سوی قرآن و عترت به خودشان اختصاص دادند که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود. پیامبر (ص) هنگام تلاوت این آیه از قرآن می‌فرماید: «وان تتولوا یستبدل قوما غیرکم ثم لا یکونوا امثالکم» (محمد، آیه ۳۸)

خداوند فرمودند: اینک شما کسانی هستید که فراخوانده می‌شوید تا در راه خدا انفاق کنید، برخی از شما در انفاق بخل می‌ورزد و کسی که بخل کند به خویش بخل می‌کند و خداوند بی‌نیاز است و شما نیازمندید: «و اگر روی گردان شوید خداوند گروهی را غیر از

شما جایگزینتان می‌نماید و آنان مانند شما نیستند.» از پیامبر اسلام (ص) در مورد این آیه سؤال شد، کسانی که در آیه به آن اشاره شده چه کسانی اند؟ پیامبر (ص) در حالی که کنار سلمان بود بر دوش وی زدند و فرمودند: «این مرد و قوم او هستند.» (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۰)،

همچنین آیه سه سوره جمعه نیز آمده است: «و آخرین منهم لما يلحقوا بهم و هو العزيز الحكيم» (جمعه ۳) و نیز قوم دیگری از آنان را که به روایت پیامبر عجم‌اند و به عرب در اسلام ملحق نشده‌اند، هدایت فرماید که او خدای مقتدر و هم‌کارش به حکمت و مصلحت است. (ترجمه الهی قمشه‌ای) یکی از یاران پیامبر نقل کرده‌اند که ما نزد رسول خدا (ص) بودیم که سوره جمعه نازل شد آن حضرت شروع به تلاوت کردند وقتی به اینجا رسید، مردی پرسید: ای پیامبر خدا اینان چه کسانی‌اند؟ حضرت دست بر شانه سلمان زد و فرمود: «لو كان الايمان بالثريا لناله رجال من هولاء» اگر ایمان به ثریا بسته باشد، هر آینه او را فراگیرند مردانی که از این جماعت باشند، یعنی اهل عجم. (منهج الصادقين، ج ۹، ص ۲۷۴. تفسیر اثنی عشری، حسین حسینی شاه‌عبدالعظیمی، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش، چاپ اول). دانشنامه اسلامی

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ قَدِيرًا (آیه ۱۳۳، سوره نساء) ای مردم، خدا اگر بخواهد همه شما را به کلی از دنیا می‌برد و قومی دیگر می‌آورد؛ و البته خدا بر این کار مقتدر و تواناست. (الهی قمشه‌ای) زمانی که آیه نازل شد رسول خدا (ص) دست مبارک خود را به پشت سلمان فارسی زدند و فرمودند: آن جمعیت که خدا می‌آورد، از قوم فارس هستند. پیامبر (ص) با این سخن خود، هم اسلام ایرانیان را پیش‌گویی کرد و هم خدمات آنان را به اسلام. (تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم). دانشنامه اسلامی.

غیر از احادیثی که در تفسیر آیات در مورد ایرانیان بیان شد. پیامبر (ص) بارها از ایرانیان به نیکی سخن به میان آورده‌اند؛ که به چند مورد اشاره می‌شود.

ایرانیان خویشاوندان ما اهل بیت‌اند... (کنز العمال، ج ۲، ص ۳۰۳)

اعظم الناس مصیبت فی الاسلام اهل الفارس؛ در بین مردم، مردم فارس بیشترین سهم را از اسلام دارند (همان)

حضرت علی (ع) هم احترام خاصی برای ایرانیان قائل بود و هیچ تبعیضی میان آنان و اعراب نمی گذاشت و همیشه از آنان به نیکی یاد می کرد. عبايه بن عبدالله اسدی می گوید: روز جمعه‌ای در خدمت حضرت علی (ع) نشسته بودم و ایشان روی منبر خطبه می خواند، ابن صوحان هم در آنجا حضور داشت. اشعث آمد و گفت: ای امیر المومنین! این سرخ دوستان (مقصودش ایرانیان ساکن کوفه بود که به حمراء مشهور بودند) از توجه زیادی که به آنان داری، بر ما تسلط یافته‌اند. آن حضرت از سخنان اشعث ناراحت شد و فرمود: «امروز درباره عرب چیزی روشن کنم که قبلاً مخفی بود.» پس فرمودند: «چه کسی سخن ما را درباره ظلم این انسان‌های راحت طلب و سبک مغز را منصفانه می پندارد که شب‌ها را تا صبح روی فرش‌های خود می غلتند، آن موقع پیش من آمده و در مورد گروهی که همیشه به یاد خدا هستند، طعنه می زنند و دستور می دهند که آنان را از پیش خود برانم و به این طریق در صف ظالمین قرار بگیریم چنان که پیامبر فرمودند: به خدا قسم! اینان در آینده به خاطر پذیرفتن دین اسلام، بر سر ما خواهند کوبید! همچنان که در روزهای نخست برای پذیرش اسلام با آن‌ها به مقابله پرداختید. (طبری، بامداد بشریت ص ۲۸)

به هر حال در روایات اسلامی اخبار و احادیث بسیاری مربوط به ایمان عجم، فرس، موالی (ایرانیان) و فضیلت‌های آنان و استقبالشان از دین اسلام بیان شده است که برخی از آن‌ها مخصوص ایرانیان و برخی دیگر غیر ایرانیان را در برمی گیرد که بیشتر کلمه عجم و فرس، اهل فارس به نحو خاص به ایرانیان و به نحو عموم به دیگران اشاره شده است. چنان که روایات بیان شده به روشنی گواه این مطلب است.

آری ایران و ایرانی بر اسلام آغوش گشودند و تمامی تجربه‌های تمدنی و فرهنگی خود را در خدمت به اسلام، تفکر و فرهنگ اسلامی به کار گرفتند؛ اسلامی که در حجاز متولد و بخش

بزرگی از ساحات فرهنگی و تمدنی آن در ایران به برگ و بار نشست. آنان همچنین در زمینه‌های دیگری به نقش آفرینی پرداختند. از جمله:

- انتشار و گسترش اسلام در تمام نقاط جهان؛
- نشر و توسعه معارف (فقه، فلسفه، تاریخ، نجوم، کلام، حدیث و...)
- پرورش وجوه فرهنگی و تمدنی اسلام؛
- تربیت نخبگان در حوزه‌های مختلف علمی و عملی. (سروستانی، قوم نشان شده، ص ۵۱)

از آنجاکه ایران دروازه مهمی برای ورود به شبه‌قاره هند، چین و آسیای شرقی شناخته می‌شد، باعث هموار ساختن مسیر نفوذ اسلام به این مناطق بزرگ بود. ایران عاملی ساخت تا همه ساکنین هند، چین، ترکمنستان، مالزی، اندونزی و جزایر اقیانوس هند از طریق ایران و زبان فارسی با اسلام و فرهنگ آن آشنا شوند. (همان ص ۵۲) مردم ایران که مردمی باهوش بودند و به‌علاوه سابقه فرهنگ و تمدن نیز داشتند، بیش از هر ملت دیگر، نسبت به اسلام شیفتگی نشان دادند و به آن خدمت کردند... ایرانیان روح اسلام و معنی آن را در نزد خاندان رسالت یافتند؛ زیرا فقط آنان بودند که پاسخ گوی نیازهای و پرسش‌های ایرانیان بودند. (مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۲۱) صحنه علم و فرهنگ وسیع‌ترین میدان‌های حمایت ایرانیان به اسلام است. بدون شک بیشترین آثار اسلامی، در علوم دینی به دست مسلمانان ایرانی نگاشته شد. (همان، ص ۳۸۴)

خواجه نظام الملک طوسی، وزیر دانشمند سلجوقیان نخستین فردی بود که مدارس دولتی نظامیه را تأسیس کرد. این رویداد فرهنگی مهم، فرصتی شد تا مدارس اسلامی با فراغت خاطر به حیات علمی خود ادامه دهند.

ایرانیان در میدان علم و فرهنگ، به فن حدیث پرداختند که برخی از معروف‌ترین و معتبرترین آنان عبارت‌اند از:

کافی؛ تألیف یعقوب کلینی رازی

من لا يحضره الفقيه: تالیف شیخ صدوق

تهذیب الاحکام: تالیف شیخ محمد بن حسن طوسی

بحارالانوار: تالیف شیخ محمد تقی مجلسی

و چندین کتاب معتبر دیگر که همه به دست پرتوان ایرانیان نگاشته شده است. ایرانیان همچنین به فن قرائت و تفسیر اهتمام زیادی ورزیدند. از میان هفت نفر متخصص فن قرائت که به «قرار سبعة» معروف بودند، برخی از آنان از جمله: «نافع عبدالرحمن، عبدالله بن کثیر، ابو عمرو بن العلاء، حمزه بن حبیب و علی کسائی» ایرانی بودند. حاصل سخن این که ایرانیان با انتخابی هوشمندانه، در سایه آموزه‌های اسلامی توانستند محدودیت‌هایی که پیش از اسلام سد مسیر رشد بسیاری از قشرهای جامعه بود را برطرف ساخته و اوج تمدن ایرانی، اسلامی را به همگان برسانند؛ و با حمایت همه‌جانبه خود از اسلام ناب محمدی پاسداری کنند.

### زمینه‌سازی ایرانیان به وسیله مردی از قم

ایرانیان بر اساس وظیفه دینی خود تا ظهور امام مهدی (عج) در دو جبهه با دشمنان اسلام به جنگ می‌پردازند. این نبردها شروعش از قم و پایانش با قیام مردم خراسان با پرچم‌های سیاه و درگیری خونین آنان با سفیانی است.

امام صادق ع فرمودند: «سیاتی زمان تکون قم و اهلها حجة علی الخلائق و ذلک فی زمان غیبة قائمنا الی ظهوره؛ زمانی فرامی‌رسد که قم و ساکنان آن حجت‌های تمام آفریده‌ها می‌شوند؛ و همانا این کار در زمان غیبت است و تا ظهور قائم ما ادامه خواهد داشت.» با توجه به این روایت، این نهضت علمی و جهاد بزرگ فرهنگی، پیش از غیبت است و تا ظهور امام مهدی (عج) ادامه خواهد داشت. (طبسی، بامداد بشریت، ص ۲۹)

روایات مربوط به ظهور سه دسته‌اند:

الف: روایاتی که مورد بحث شیعه و سنی است روی کار آمدن یاران درفش‌های سیاه است.  
ب: روایات حکومت یمنی که فقط شیعه بر آن دلالت دارد.

ج: روایاتی که از ظاهر شدن و روی کار آمدن زمینه‌سازان ظهور آن بزرگوار است که این روایات به‌طور عام دلالت بر یاران یمنی آن حضرت دارد.

اما برای حکومت زمینه‌سازان ایرانی، دو مرحله در نظر گرفته شده است: مرحله اول: آغاز نهضت حضرت به‌وسیله مردی از قم که حرکتش آغازگر ظهور حضرت مهدی (ع) است؛ که روایات آغاز آن را از شرق بیان کرده‌اند. مرحله دوم: ظاهر شدن دو شخصیت، به نام سید خراسانی و شعیب بن صالح بیان گردیده است.

پیشامدها و حوادثی که در اخبار معصومین نسبت به جایگاه ایرانیان زمینه‌ساز آمده، چنین است:

از آغاز نهضت حضرت توسط مردی از قم تا ورودشان در جنگ. ورود به جنگی طولانی تا تحمیل کردن خواسته‌های خود بر دشمنان. رد خواسته‌های اولیه خود که اعلام داشتند و قیام همه‌جانبه. دادن پرچم اسلام به دست صاحب اصلی خود حضرت مهدی (ع) و شرکت در نهضت آن حضرت. (کورانی، عصر ظهور، ص ۱۲۶)

تلاش گسترده ایرانیان مسلمان در دوران غیبت کبری از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) است، چنانچه در روایات و سخن بزرگان از آنان تجلیل گردیده است و ایرانیان را تنها گروهی دانستند که در زمان غیبت از دین اسلام و قرآن پاسداری می‌کنند؛ و در سه مقطع استراتژیک و مهم؛ یعنی آستانه ظهور، بعد ظهور و حکومت جهانی نقش ایفا می‌کنند. چنانچه نخستین گروه زمینه‌سازان ظهور حضرت را به نام خود به ثبت می‌رسانند. بر اساس روایاتی که اهل سنت و شیعه نقل کرده‌اند ایرانیان نقشی پررنگ در این رخداد داشته‌اند به‌طوری که سرآغاز این تحول عظیم را از «مشرق» و به رهبری مردی از «قم» می‌دانند. (الهی نژاد، بررسی و تحلیل نقش ایرانیان در تحولات فرجام جامعه بشریت)

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «یخرج الناس من المشرق فیو طئون المهدی سلطانه؛



(ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸) مردی از شرق قیام می‌کند و زمینه را برای حرکت جهانی مهدی (عج) فراهم می‌کند.

خیزش و جنبشی بزرگ برای دعوت مردم به طرف دین، در ایران روی می‌دهد. امام موسی کاظم علیه‌السلام فرمودند: «رجل من اهل قم يدعوا الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزير الحديد...؛ شخصی از اهل قم مردم را به حق دعوت می‌کند، در اطراف او کسانی جمع‌اند که مانند قطعه‌های آهن مقاوم، از جنگ خسته نمی‌شوند. نمی‌ترسند و هیچ باد سرکش تند آن‌ها را تکان نمی‌دهد و به خدا توکل دارند و عاقبت از آن متقین است.» (الملاحم والفتن، ص ۳۸، بحارالانوار ج ۵۷، ص ۲۱۶، دشتی، آینده و آینده‌سازان، ص ۶۹، ۷۰)

گویا این حرکت، همان حرکتی است که از امام باقر (ع) نقل شده است: «کافی بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق فلا يعطونه ثم يطلبونه فلا يعطونه...؛ (غیبت نعمانی، ص ۲۷۳، حدیث ۵۰ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳، حدیث ۱۱۶)، گویا می‌بینم مردمی در شرق قیام کرده، حق خود را می‌خواهند؛ ولی به آن‌ها نمی‌دهند از دوباره طلب می‌کنند، به آن‌ها داده نمی‌شود. در این موقع شمشیرهای خود را بر شانه می‌گذارند. پس آن موقع حاضر به دادن حق آن‌ها می‌شوند؛ ولی آنان دیگر قبول نمی‌کنند تا این که قیام می‌کنند و آن را جز به صاحب شما تحویل ندهند؛ و کشته‌های آن‌ها شهید به حساب می‌آیند.» (شفیعی سروسستانی، قوم نشان شده، ص ۱۲۴، ۱۲۳)

همچنان که مردم ایران طالب حق بودند. طبق این روایت مردم ایران از ابرقدرت‌ها خواستند که در زندگی آنان دخالت نکنند و خواستار پیاده شدن قوانین روح‌بخش اسلام در کشورشان و آزاد بودن از سلطه آنان و داشتن استقلال بودند اما آنان اعتنا نکردند. ملت ایران نیز مجبور به گرفتن سلاح در دست شدند و در این کشمکش‌ها پیروز شدند. دشمنان با دیدن این وضع خواستند حق اولیه آنان را بدهند به شرطی که اسلام را حاکم کنند ولی انقلاب نکنند ولی زمانش گذشته بود و انقلاب جدید به وجود آمد. این انقلاب به معنی رد کردن امتیازاتی بود که به آنان قول داده بودند و تأکید بر حاکمیت اسلام در جامعه‌ای وسیع‌تر از ایران تلقی

می‌شد؛ و بعد از این وقایع ظهور امام عصر (عج) به وجود آمد و پرچم مبارزه به دست نازنین وی سپرده می‌شود. (بحار، ج ۵۱، ص ۸۳، مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن، کتاب‌خانه معارف اسلامی، عصر ظهور، ۱۴)

این روایت تمامی سخنان پیامبر در مورد خروج پرچم سیاه، مطالبه حق، قیام کردن، جنگیدن و زمینه‌سازی حکومت امام مهدی عج را به صورت خلاصه در خود جای داده است؛ و چیزی برای شک و شبهه برای طالبان حق باقی نگذاشته است. امام باقر علیه‌السلام در کمال صراحت حق بودن قیام این گروه و زمینه‌ساز بودن حکومت آنان را برای برپاداشتن حکومت عدل (الله) بیان داشته‌اند. (هاشمی شهیدی، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی، ص ۳۰۳)

امامان معصوم مجموعه تحولات و حوادث آینده را در پنج مرحله مطرح فرمودند:

#### تحولات جهانی در آستانه بیداری ایرانیان

الف: انزوای دین در آخرالزمان، فساد زدگی اعراب، درهم کوبیده شدن قدرت آنان، بی‌دفاع گذاشتن دین، وابستگی سران عرب و تشکیل دولت یهود در بین مسلمانان

ب: رواج انواع فسادها و آلودگی‌ها در عالم و کشورهای اسلامی؛ چنان‌که از امام علی (ع) وارد شده که «یخرج رجل طبرانی یغیر السنه» (بیان الاثمه، ص ۳۵۱)

ج: قیام رهبر انقلاب در قم و فراخواندن نیروهای مؤمن به اسلام و قرآن «فیجعل الله قم واهله قائمین مقام الحجّه؛ خداوند قم و اهل قم را جانشین امام زمان قرار می‌دهد که فقهای شیعه مردم را رهبری می‌کنند».

د: قیام اسلامی مردم ایران؛ امام علی (ع) در این باره فرمودند: وستاتی الیهود من المغرب لا نشاء دولتهم بفلسطین...؛ زود است که یهود از عرب برای ایجاد کشور و دولت یهود به فلسطین بیاید پرسیدند عرب‌ها کجایند؟ فرمود: در آن زمان عرب‌ها از هم جدا و متفرق‌اند و اتحاد و انسجام ندارند اما به زودی نیرویی اهل کارزار از عراق حرکت می‌کنند که بر پرچم‌های آنان کلمه «قوة» نوشته شده است، (این رمز در آرم پرچم‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آیه «واعد لهم ما استطعتم من قوة» (سوره انفال آیه ۶۰) ثبت شده است؛ و اسلام و عرب باهم

متحد و شریک می‌شوند و همه حرکت می‌کنند برای آزادی فلسطین، معرکه و میدان کارزاری بر پا خواهد شد چه معرکه‌ای؟! که در کنار مردم در خون رفته و شنا می‌کنند و مجروحین از روی بدن کشته‌شدگان راه می‌روند. قسم به خدا که همه یهودیان را چونان گوسفند سر می‌برند تا اینکه یک یهودی هم در فلسطین باقی نماند. (عقائد الامامیه الاثنی عشریه: سید ابراهیم زنجانی) چنان که به چشم خود می‌بینیم که این مرحله محقق شده است. تداوم بیداری مردم قم تا پیروزی. عوامل گوناگونی باعث بیداری مردم ایران و قم می‌شود و آنان را به قیام وامی‌دارد. حالت بیداری و روح مبارزه و ستیزه‌جویی مردم با طاغوتیان معاصر تداوم می‌یابد. گرچه زجرها می‌کشند، شکنجه‌ها می‌بینند و شهدای فراوانی تقدیم اسلام می‌کنند اما سرانجام پیروزند. «یخرج رجل من ولد الحسين؛ مردی از فرزندان حسین قیام می‌کند و به حرکت خود ادامه می‌دهد.»

اتحاد نامبارک و تهاجم به انقلاب اسلامی که اشاره به تهاجم اعراب می‌فرمایند: دست‌به‌دست استعمارگران گذاشته به شیعیان ایران یورش می‌برند؛ که در ظاهر جنگ با عراق است ولی همه اعراب دخالت دارند. «یهجم العرب علی العجم و یعدلون بالاهواز و تخرج العجم علی العرب و یملکون البصره؛ عرب‌ها بر ایران می‌تازند و در اطراف اهواز زمین‌گیر می‌شوند آنگاه ایرانیان قیام می‌کنند و بر عرب‌ها پیروز می‌گردند و شهر بصره را به تصرف خود درمی‌آورند.» (نواحی الدهور ج ۲، والزام الناصب ج ۲، ص ۲۵۰)

صدور انقلاب اسلامی ایران؛ اهداف تکاملی اسلام به جهانیان صادر می‌شود به گونه‌ای که جهانیان با اسلام آشنا می‌شوند و یک مستضعف از نظر فکری در کره زمین یافت نمی‌شود، حتی زنان در خانه‌های خود اسلام را می‌شناسند. «حتی لا یقی فی الارض مستضعف فی الدین؛ همه اسلام را می‌شناسند.» و «تکون بلده قم و اهلها حجج علی الخلائق؛ قم و مردم قم الگوی جهانیان می‌شوند.» این مرحله هم تا حدودی در جهان معاصر تحقق یافته و در حال گسترش است.

جایگاه ایرانیان در ظهور امام زمان (عج)؛ که بیانگر نقش فعال ایرانیان در ظهور امام و جنگ‌های پس از ظهور و همچنین همراهی با امام در فتح فلسطین است. (دستی آینده و آینده‌سازان، گزیده‌ای از ص ۱۷۰، ۱۵۹)

طبق روایات بیان شده جریان خروج و قیام پر جوش و خروش این سید بزرگ انقلابی چنین است. امام بر اثر مشاهده ظلم و ستم فرمانروایان ظالم و کارهایی که برخلاف مصالح مسلمین در ایران انجام می‌دادند. دست به انقلابی گسترده و همه‌جانبه زدند و بر اثر استقامتی که از خود نشان دادند با همکاری گروهی از مردم مؤمن ایران به پیروزی رسیدند؛ و زمام امور را در دست گرفتند؛ اما ابرقدرت‌ها از جمله آمریکا وقتی دیدند هدف انقلاب اسلامی ترویج دین و ترقی اسلام است احساس خطر کردند و با تبلیغات سوء سعی در پی مخدوش کردن اذهان ملت داشتند ولی زمانی که دیدند تبلیغات سوء آنان نقش بر آب است. حکام خود فروخته بغداد را به جنگ با او وادار کردند تا بتوانند به این وسیله از انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کنند. امام نیز مردانه وارد میدان شدند و با جان‌فشانی‌های دلاور مردان ایرانی به پیروزی رسیدند. (شهیدی، زمینه‌سازان ظهور ص ۴۶۳) این پیروزی حاصل جان‌فشانی رهبری قاطع، اصیل و مبارز است که با اراده آهنین آینده و تحولات آن را به دست گرفت و همه قدرت‌ها و احزاب سیاسی را از سر راه برداشت. کسی که در کنار اسلام ناب محمدی ایستاد و با امدادهای الهی و با بهره‌گیری از الهام و اشراق و رهنمودهای به‌جا و ضروری صاحب‌الزمان (عج) خط فکری شیعه را تداوم بخشید. او با فریادهای خود خفتگان را بیدار و نهال عشق و شهادت را در دل بسیجیان کاشت. (همان، ص ۱۳۵)

از این نگاه می‌توان به نقش حساس رهبری در شکل‌گیری نهضت اسلامی پی برد. شهید مطهری در این باره فرمودند: من در وجود امام خمینی به چهار آمن دیدم که بر ایمانم افزون گردید: «آمن به‌هدفه» یعنی اگر تمام دنیا جمع شوند نمی‌توانند وی را از هدفش منحرف کنند. «آمن بسبب» به راهی که برای هدف خودش انتخاب کرده ایمان دارد، امکان ندارد کسی او را از این راه منحرف کرد؛ «آمن بقومه» کسی به اندازه امام به مردم ایران ایمان ندارد؛ از همه

بالاتر «آمن بر به» به پروردگارش ایمان داشت دست خدا و عنایت خدا را در ایجاد این نهضت دخیل می‌دانست. (مطهری، انقلاب اسلامی ایران (زمینه‌ها و فرایندها شکل‌گیری)، ص ۳۶)

بنا بر روایات و سخنان بزرگان این نهضت علمی و جهاد بزرگ فرهنگی، پیش از غیبت است و تا ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام ادامه خواهد داشت که از قم به گوش جهانیان خواهد رسید. طوری که تمامی ساکنان کره زمین با اسلام آشنا خواهند شد.

آنچه تا به اینجا بیان گردید خلاصه‌ای از مرحله اول حکومت زمینه‌سازان در ایران طبق برداشت از مجموع روایات و شواهدی بود که می‌توان در این باره داشت؛ اما مرحله دوم، ظاهر شدن دو شخصیت موعود به‌عنوان سید خراسانی رهبر سیاسی و شعیب بن صالح فرمانده نظامی اوست.

اکنون برای این که بدانیم شعیب بن صالح کیست؟ نقش او در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام چیست؟ وظیفه او در طول دوران قیام ایرانیان و زمان جنگ چیست به روایاتی در این زمینه پرداخته می‌شود. حضرت محمد (ص) در حدیثی که در مورد خروج مرد مبارز و شکست‌ناپذیری از طرف مشرق به نام آزادمرد تمیمی چنین آمده است: فرزند عمر روایت کرده که حضرت محمد (ص) در جمع چند نفر از مهاجر و انصار بود و حضرت علی (ع) در طرف چپ و عباس عموی پیامبر در سمت راست وی بودند که مشاجره بین عباس و مردی از انصار شروع شد و این باعث درشت‌خویی مرد انصار به عباس شد، آنگاه پیامبر دست عباس و حضرت علی علیه‌السلام را در دست خود گرفتند و فرمودند: در آینده از پشت این عباس کسی بیرون می‌آید که زمین را از عدل و داد پر می‌کند. پس بر شماست که اگر آن روزگار را دریابید به آن جوانمرد تمیمی روی آورید. او از سمت مشرق زمین یعنی از خراسان و ایران می‌آید او صاحب پرچم و علمدار امام مهدی علیه‌السلام خواهد بود. در این مورد از محمد بن حنیفه نقل شده که فرمود: تخرج رایه سوداء لبني العباس، ثم تخرج... «درفش‌های سیاهی از بنی‌عباس و پس از آن درفش‌های سیاهی دیگر از خراسان خروج می‌کنند که کلاه‌سیاه و پیراهن سفید بر تن دارند، پیشاپیش آنان مردی به نام شعیب بن صالح

است او از قبیله بنی یمنم است آنان نیروهای سفیانی را شکست داده و در بیت المقدس فرود می آیند تا مقدمه حکومت امام عصر (عج) را فراهم آورند.» نسخه خطی ابن حماد، ص ۸۴ و قریب به همین مضمون در کورانی، عصر ظهور، ص ۷۴)

امام باقر علیه السلام نیز بنا بر نقل جابر فرمودند: جوانی از بنی هاشم یعنی سید که در دست راستش خال با پرچم های سیاه از خراسان خروج می نماید و پیشاپیش او مردی از شعب بن صالح است که با لشکریان سفیانی می جنگد و آنها را شکست می دهد. چنان که در روایات آوردیم دو مطلب درباره شعب بن صالح استفاده می شود. یکی صاحب دعوت و فرمانروای مطلق و هاشمی یعنی سید است. دوم اینکه «شعب» سردار سپه و سرکرده لشکر و فرمانده سپاه است؛ اما در مورد شعب بن صالح روایات با معانی مختلف بیان گردیده است؛ که تصور صحیح در مورد وی همان طور که دانشمند محترم آقای عسکری در بیانات خود آورده اند این است که بر اساس بسیاری از روایات شعب صاحب اصلی دعوت و انقلاب نیست بلکه او یک انسان شجاع و دلاوری است که در هنگام جنگ و مقابله با دشمن سخت حمله می کند و مردانه می جنگد و برای رضای خدا گام برمی دارد. او فردی غیر معروف است که کمتر کسی به او توجه دارد. آنچه از روایات مربوط به شعب بن صالح استفاده می شود. این است که: او شخصیتی انقلابی، مرد جنگ و نبرد، خونگرم و از طرفداران سرسخت نهضت و علاقه مندان واقعی سید خراسانی است که در هنگام جنگ و آشوب امیر لشکر و فرمانده سپاه وی است و در پیشبرد اهداف عالی نهضت اسلامی و پیروزی در جنگ و بیرون راندن متجاوزان از کشور، سهمی به سزا دارد و بعد از پیروزی در جنگ و ورود ایرانیان به کوفه خدمت امام مهدی (عج) می رسد. حضرت هم وی را امیر لشکر و پرچم دار خود معرفی می نماید. (شهیدی، زمینه سازی ظهور، ص ۵۳۷، ۵۳۸)

چنان که بیان شد، مضمون و محتوای روایات و سخن بزرگان در بیان مشرقیان زمینه ساز در نگاه کلی شامل ایرانیان می شود که با تلاش بی وقفه خود در زمینه سازی ظهور و تحقق جامعه آرمانی مهدوی کوشیدند.

## (۱) وجود یاران ایرانی در کنار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

هر فرمانده‌ای برای محقق شدن آرمان حاکمیت توحید و عدالت به یارانی کارداران، لایق و پادروکاب نیاز دارد. یارانی باقابلیت‌های مطلوب و ایده آل که بتوانند به منویات و مقتدای رهبرشان گوش کنند و در مقاطع حساس استراتژیک و تاکتیک او را یاری و اطاعت کنند.

عواملی از جمله دگرگونی حاکمیت و نظام سیاسی، ریشه‌کن شدن کفر و نفاق، استقرار آیین محمدی (ص)، به سعادت رسیدن مردم جهان زیر پرچم توحید، برقراری امنیت جهانی و دگرگونی علم و فرهنگ مردم جهان باکرامت و معجزه صورت نمی‌گیرد. بلکه همچنان که بیان گردید نیاز به رهبر و مدیریتی معصوم و برنامه‌ای جامع و جهان شمول و یارانی بسیار کارداران و لایق دارد. همچنان که امام علی علیه‌السلام فرمودند: «افلح من نهضت بجنایح؛ پیروزمند کسی است که یار و یاور داشته باشد.» (خطبه ۵ نهج‌البلاغه)

از امامان معصوم (ع) در این زمینه بنا به تفاسیر برخی آیات قرآن چنین آمده است. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه ۱۴۸ سوره بقره که خداوند فرمودند: «هر جا باشید، خدا شما رو جمع می‌کند.» (آیه ۱۴۸ بقره بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹) همچنین امام علی علیه‌السلام در تفسیر آیه ۵۴ سوره مائده که خداوند فرموده‌اند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دین خود برگردد، خداوند قومی دیگر می‌آورد که او را دوست دارند و او آنان را دوست دارد؛ در برابر مؤمنان زبون‌اند و در برابر کافران سرسخت؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنش‌کنندگان بیم نمی‌برند. (منتخب الاثر، ۴۷۶، ۴۷۵) اصحاب حضرت مهدی علیه‌السلام به خاطر عدالت گسترانه بودن قیام و جا نداشتن نژادپرستی در اسلام ناب محمدی، از نژاد خاص، قبیله باسابقه یا کشور معروفی گزینش نمی‌شوند و از سراسر جهان و دورترین شهرها و به نقل روایات از «اقالیم الارض» و «اقصی البلاد» گرد هم جمع می‌شوند. (کوران، عصر ظهور، ص ۲۲۷)

در روایات گاهی سپاهیان حضرت را عجم غیر عرب می‌دانند. گاهی سخن از قوم خاصی مانند توبه‌کنندگان بنی اسرائیل، مؤمنان مسیحی و انسان‌های وارسته رجعت‌کننده می‌دانند. در برخی روایات هم نام شهر و کشورهای بی‌شماری به چشم می‌خورد که گویای یاری‌رساندن سپاهیان از آن مناطق به حضرت است. چنانچه در روایتی حضرت علی (ع) فرمودند: «وزیران حضرت مهدی علیه‌السلام از عجم‌هاست، در میان آنان عربی نباشد، اما با عربی صحبت می‌کنند، در حالی که آن‌ها خالص‌ترین وزرا و بافضیلت‌ترین وزیران‌اند.» (سیمای جهان در عصر امام

زمان (عج) ص ۳۸۱، به نقل از ینابیع الموده ۳/۳۱۳، یوم الخلاص، ص ۳۰۵)

با توجه به روایات، یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان ظهور به سیصد و سیزده نفر می‌رسند؛ که این رقم شبیه تعداد یاران حضرت محمد (ص) در جنگ بدر است. این سیصد و سیزده نفر هیچ آشنایی قبلی باهم ندارند و در همگام ظهور در مکانی معین دورهم گرد می‌آیند و پرچم حق بر باطل را بالا می‌برند. یارانی که دلیری، بی‌باکی، بندگی خدا و فرمان‌برداری از امام زمان جزو خصلت‌های آنان است.

روایات حاکی از این است که تعداد زیادی از این سیصد و سیزده نفر که جزو یاران خاص حضرت مهدی می‌باشند را ایرانیان تشکیل می‌دهند؛ که از آنان با عناوینی از جمله: «قمی‌ها، گنج‌های طالقان، اهل فارس، اهل خراسان، اهل ری و...» یاد شده است. چنان‌که امام صادق علیه‌السلام، در روایتی شهر کوفه را به ماری تشبیه کرده‌اند: «که در سوراخش پنهان می‌شود و از شهر خارج می‌شود. سپس از ظهور این دانش در شهر قم خبر می‌دهند. ایشان شهر قم را منبع علم و دانش اهل بیت می‌دانند و می‌فرمایند علم از این شهر به تمام شهرها منتشر می‌شود و این اتمام حجتی است برای مردم جهان؛ و کسی در جهان باقی نمی‌ماند که دین و علم دین به او نرسیده باشد. بعد از این قیام می‌کند و عدالت خداوند در جهان گستراننده می‌شود.» دربیانی دیگر امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: شهر قم را از آن جهت که مردمانی از اهل آن با حجت ما قیام می‌کنند و او را یاری می‌رسانند قم نامیده شده است. (بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، حدیث ۳۸) همچنین از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد: منظور از آیه «بعثنا



علیکم عبادت لنا اولی باس شدید؛ چه کسانی هستند؟» آن حضرت فرمود: «هم والله اهل قم، هم والله اهل قم. هم و الله اهل قم؛ به خدا سوگند آن‌ها اهل قم هستند. به خدا سوگند آن بندگان که مأموریت دارند غاصبان بنی اسرائیل را به کیفر برسانند اهل قم هستند.» (بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶ دشتی، آینده و آینده‌سازان ص ۱۷۱)

حضرت علی علیه‌السلام در روایتی درباره شهر طالقان که برخی یاران آن ایرانی هستند فرموده‌اند: «وَحِیاً لِلطَّالِقَانِ! فَاِنَّ لَهِ فِيهَا كَنْزاً لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فَضَّةٍ، وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا اللّٰهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ اَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِيْ اَخْرِ الزَّمَانِ؛ خوشا به حال طالقان! که برای خدا در آن گنج‌هایی است، ولی نه از طلا و نقره، بلکه مردانی است که خدا را به حق شناخته‌اند، آن‌ها یاران حضرت مهدی علیه‌السلام در آخر الزمان می‌باشند.» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷ منتخب الاثر، ص ۴۸۴)

از امام صادق علیه‌السلام به تعبیر «بَخَّ بَخٌّ لِلطَّالِقَانِ؛ به به به به حال طالقان روایت شده است.» (المهدی، ص ۲۱۷، ینایع الموده، ص ۴۴۹ چاپ قدیم. کتاب یاران امام زمان (ع)، گروه پژوهش موسسه فرهنگی موعود عصر (عج) ص ۴۹، ۵۰)

همچنین امام صادق درباره طالقان فرموده‌اند: «له كنوز بالطالقان ما هی من ذهب ولا فضة، بل هی رجال كان قلوبهم زبر الحديد، لا يشوبها شك، فی ذات الله أشد من الحجر، لو حملوا علی الجبال لأذلوها، لا یقصدون برایتهم بلداً إلا خربوها كانهم علی خیولهم العقبان یتمسحون بسرج الامام.... برای او گنج‌هایی در طالقان هست که این گنج‌ها از طلا و نقره نیست بلکه مردانی است که دل‌های آن‌ها چون قطعه‌های آهن است که هرگز شک و تردی در آن‌ها راه ندارد. آن‌ها در اعتقاد خود در مورد خدا از سنگ سخت‌ترند، اگر به کوه‌ها هجوم برند آن‌ها را از پای در آورند و با پرچم‌های خود به هیچ کشوری روی نمی‌آورند جز اینکه آن را فتح نمایند یعنی مظاهر کفر را از بین می‌برند، بر فراز اسب‌های نجیب خود، دست بر زی اسب امام (ع) می‌کشند و تبرک می‌جویند. آن‌ها به هنگام نبرد پروانه‌وار شمع وجود امام علیه‌السلام را در میان گرفته، محافظت می‌کنند و هر چه امام اراده کند از او کفایت می‌کنند. مردان

شب‌زنده‌داری که شب‌ها نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می‌رسد. شب‌ها را با شب‌زنده‌داری سپری می‌کنند و بر فراز اسب‌ها خدا را تسبیح می‌گویند. آن‌ها در برابر فرمان امامشان از بنده مطیع، مطیع‌تر هستند. گویی دل‌های آن‌ها مشعلی نورانی است و آن‌ها از ترس پروردگار خود نگران‌اند. شعار آن‌ها «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان حسینی) است. رعب و وحشت از آن‌ها به مسافت یک ماه جلوتر از خودشان پیش می‌رود و آن‌ها گروه‌گروه به سوی مولی در حرکت‌اند. خداوند به وسیله آن‌ها امام حق را یاری می‌کند. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

در مورد خراسان هم روایات زیادی آمده که اشاره به یاری‌رساندن ایرانیان این شهر به امام مهدی (عج) دارد. رسول خدا (ص) در این باره فرموده‌اند: «هنگامی که مشاهده کردید پرچم‌های سیاه از سوی خراسان می‌آیند، با هر وسیله ممکن به سوی آن‌ها بشتابید؛ هرچند مجبور باشی برای این کار روی برف و یخ سینه‌خیز بروید؛ چرا که خلیفه الله مهدی علیه السلام میان آن پرچم‌ها حضور دارند (عقدالدر، ص ۱۲۵) برخی از اهل سنت گفته‌اند: مقصود از این پرچم‌های اصحاب مهدی (عج) است، نه پرچم‌های سیاهی که با «ابوالمسلم خراسانی» بود. (حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۱۹)

حضرت علی علیه‌السلام در خطبه‌ای که یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ملیت آن‌ها را ایراد کرده‌اند نام برخی از شهرهای ایران ذکر شده است. اصبع بن نباته می‌گوید: امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطبه‌ای ایراد کرد و در ضمن آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش را که همراه حضرت قیام می‌کنند، برشمرد و فرمودند: «از اهواز یک نفر؛ از شوشتر یک نفر؛ از شیراز سه نفر به نام‌های حفص، یعقوب و علی؛ از اصفهان چهار نفر به نام‌های موسی، علی، عبدالله و غلفان؛ از بروجرد یک نفر به نام قدیم؛ از نهاوند یک نفر به نام عبدالرازق؛ از همدان سه نفر به نام‌های جعفر، اسحاق و موسی؛ از قم ده نفر که هم نام اهل‌بیت‌اند. در حدیثی دیگر هجده نفر ذکر شده است؛ از شیروان یک نفر؛ از خراسان به نام درید و نیز پنج نفر که هم نام اصحاب کهف هستند؛ آمل یک نفر؛

جرجان یک نفر؛ دامغان یک نفر؛ از سرخس یک؛ از ساوه یک نفر؛ از طالقان بیست و چهار نفر؛ از قزوین دو نفر؛ از فارس یک نفر؛ از ابهر یک نفر؛ از اردبیل یک نفر؛ از مراغه سه نفر؛ از خوی یک نفر؛ از سلماس یک نفر؛ از آبادان سه نفر؛ از کازرون یک نفر.

همچنان که بیان گردید از سیصد و سیزده نفر یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در آغاز قیام همراهش هستند، هفتاد دو نفر از شهرهای کنونی ایران هستند؛ اما اگر نقلی که دلایل الامامه طبری جلد سی و شش آمد، حساب شود شهرهایی که در آن روزگاران ایران بوده است آورده شود تعداد یاران بیشتر از این‌ها می‌شود. (طبری، چشم‌اندازی به حکومت مهدی (عج)، ص ۹۸)

روایات دیگر بیانگر یاری‌رساندن برخی رجعت‌کنندگان در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد؛ که نام چند ایرانی رجعت‌کننده وارسته به چشم می‌خورد امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمودند «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کند هفده تن از پشت کعبه زنده می‌گرداند که عبارت‌اند از: قوم موسی (ع) که به حق قضاوت کرده و با عدالت رفتار می‌کنند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوش وصی موسی (ع)، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، مالک اشتر و ابودجانه انصاری» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۰، پرسمان دانشگاهیان، ۲/۱۰/۱۳۹۲)

بازگشت سلمان در ضمن یک حدیث، زمانی که پیامبر (ص) صحبت از دوازده وصی خودشان از امام علی علیه‌السلام تا امام مهدی (عج) با نام و لقب و اوصافشان می‌کند اشک چشمان سلمان را پر می‌کند و می‌فرماید: چگونه سلمان می‌تواند آن‌ها را درک کند؟ پیامبر ص خبر از درک سلمان می‌دهد می‌فرماید: ای سلمان شما آن‌ها را درک می‌کنی حتی کسانی که معرف کامل نسبت به آن‌ها داشته و از آن‌ها پیروی کند آن‌ها را درک می‌نماید... (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۳، بیروت، موسسه الوفاء).

امام علی در بیان مالک اشتر نخعی چنین فرمودند: «ای کاش! در زیر آسمان مالک دیگری نیز بود.» او جزو یاران بقیه‌الله است که در رجعت زنده می‌شود و از سوی آن حضرت، در گوشه‌ای از جهان حکومت می‌کند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۱، بیروت، موسسه الوفاء).

با بررسی مجموع این روایات و سخن بزرگان به این نتیجه می‌رسیم که مردم کشور ایران، همچنان که پیش از ظهور امام زمان (ع)، نظامی الهی و مدافع اهل بیت علیهم‌السلام بر پا کردند که مورد نظر امام زمان (عج) بوده و همچنان هم هست در آستانه ظهور و بعد از آن نقش عمده‌ای در دفاع از حضرت و یاری رساندن به امامشان از خود به جای می‌گذارند.

## ۲) آموزگاران ایرانی قرآن در دولت حضرت مهدی (عج)

در حکومت امام مهدی (عج) که روزگار خفقان و سرکوب افراد دین‌دار و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر آمده، مردم به‌طور بی‌سابقه‌ای رو به سوی اسلام می‌آورند. به گونه‌ای که آوای اسلام همه‌جا طنین‌انداز و آثار مذهب تجلی می‌یابد. چنان که روایات خیر از رخنه کردن اسلام در هر خانه، کوخ و چادر می‌دهد. به گونه‌ای که نفوذ سرما و گرما در آن راه نمی‌یابد، در چنین شرایطی طبعاً استقبال و پذیرش مردم به مظاهر و شعارهای دینی، بی‌سابقه است. به گونه‌ای که استقبال مردم از آموزش قرآن، نماز جماعت و نماز جمعه چشمگیر خواهد شد تا جایی که ساختن مسجدی با پانصد در لازم می‌شود. همچنان که روایات بیان داشته‌اند که کوچک‌ترین مساجد کوفه در آن زمان، مسجد کوفه کنونی خواهد بود؛ که اکنون جزو یکی از بزرگ‌ترین مساجد جهان است. (طیلس چشم‌اندازی به حکومت مهدی (عجل)، ص ۱۸۲، ۱۸۱)

امام صادق علیه‌السلام انزوا و غربت اسلام را دردآلود خبر می‌دهد، نقش ایرانیان را در این زمینه می‌ستایند؛ و چنین می‌فرمایند: «شما عرب‌ها دست از اسلام می‌کشید و نسبت به قرآن بیگانه می‌شوید تا آن زمان که مردانی از ایران می‌آیند و شمارا با دین و قرآن آشنا

می‌سازند.» در این زمان بود که پیرمردی از اعراب با شگفت پرسید: آیا ما اعراب که زبانمان عربی و قرآن هم عربی است و پیامبر هم از میان ما برخاسته بیگانه از اسلام می‌شویم؟ و ایرانیان به ما قرآن می‌آموزند؟ امام صادق علیه‌السلام پاسخ دادند: گویا من هم اکنون دارم ایرانیان را می‌نگرم که در مسجد کوفه چادر پشمی زده‌اند و دارند شماها را قرآنی می‌آموزند که بر پیامبر نازل شد است. (دستی آینده و آینده‌سازان ص ۱۲۶)

حضرت علی (ع) در یکی از سخنرانی‌های خود فرمودند: «کانی بالعجم فسا طیطمهم فی مسجد الکوفه یعلمو الناس القران کما انزل؛ گویی می‌بینم که مردانی از ایران در مسجد کوفه چادرها پشمی زده‌اند جمع می‌شوند و مردم عرب را قرآن درس می‌دهند، به همان گونه که نازل شد. (شیخ طوسی، کتاب غیبت، ص ۱۷۲، دستی، آینده و آینده‌سازان، ص ۱۲۸)

آیا افتخاری از این بالاتر که ایرانیان در دولت کریمه حضرت مهدی عج جزو معلمان قرآن به حساب آمده‌اند. (مروجی طبسی، بامداد بشریت، ص ۸۲) همچنان که بیان گردید روایات، نقش ایرانیان در آموزش قرآن را بی‌نظیر دانسته و از ایرانیان تجلیل به عمل آورده است.

### نتیجه‌گیری

در روایات به جایگاه ایرانیان در زمینه‌سازی و حکومت مهدوی حضرت صاحب‌الزمان تأکید زیادی شده است. نقش ایرانیان در احادیث و روایات را می‌توان در دو بخش زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی‌عصر و پس از ظهور ایشان بررسی کرد. با توجه به احادیث ایرانیان از مهم‌ترین زمینه‌سازان ظهور هستند که حکومت خود را به رهبری مردی از قم مدتی قبل از ظهور تشکیل داده‌اند. آنان پس از تشکیل حکومت از طرف دچار جنگی خواهد شد که مردمان آن بااراده‌ای پولادین در جنگ پیروز خواند شد. پس از آن مخالفان حق آن‌ها را غصب کرده و آنان به سردمداری سید خراسانی حقوق خود را طلب می‌کنند که پس از دو بار درخواست و مواجه شدن با مخالفت با فرماندهی شعیب بن صالح اسلحه به دست گرفته و اسلحه خود را تا ظهور حضرت حجت بر زمین نخواهند گذاشت و پس ظهور در رکاب حضرت خواهند بود. پس از ظهور نیز ایرانیان نقش بی‌بدیلی در حکومت حضرت

حجت ایفا خواهند کرد به طوری که بسیاری از وزیران حضرت را ایرانیان تشکیل می دهند؛ و بسیاری از یاران خاص حضرت ولی عصر نیز از ایران خواهند بود.

### فهرست منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. امینی گلستانی، محمد، سیمای جهان در عصر امام زمان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵
۴. اندیشه قم، ۱/۷/۱۴۰۱، آیا سلمان فارسی، مالک اشتر و پسرش ابراهیم اشتر، مقداد، اباذر، عمار یاسر، بلال در زمان ظهور زنده می شوند؟  
<http://www.sciencepeak.com/?p=۷۴۱۴>
۵. باباپور گل افشانی، محمدمهدی، انقلاب اسلامی (زمینه ها و فرایند شکل گیری)، قم مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۶. حائری یزدی، علی، الزام الناصب، انوار الهدی، ج ۲، ۱۳۸۳
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداء، علماء الدین اعلمی (مصحح)، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵
۸. حسینی، علی جمال اشرف؛ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذی القربی، قم، دار الاسوه للطباعه و النشر، ۱۴۲۲
۹. حسینی میلانی، سیدعلی، المهدی، قم، الحقایق، ۱۳۸۸
۱۰. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، قم، دلیل ما،
۱۱. ۱۳۸۸ دشتی، محمد، آینده و آینده سازان، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، ۱۳۸۳

۱۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۱۰، ۱۳۶۷، ص ۷۰
۱۳. زین العابدین، محمد مهدی، بیان الائمه، دار الغدير، ۱۳۸۳
۱۴. شفیعی سروسرستانی، اسماعیل، قوم نشان شده (نقش ایرانیان در واقعه شریف ظهور)، تهران، موعود عصر (عج)، چاپ چهارم، ۱۳۹۶
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، مترجم محسن احمدی، منیر، ۱۳۹۳
۱۶. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، قم، موسسه بوستان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، کتاب غیبه، مترجم مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ج ۲
۱۹. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تهران، کتاب فروشی، ج ۹، ۱۳۳۶
۲۰. کامل، سلیمان، يوم الخلاص فی ظل القائم الهدی، قم، دار المجتبی، ۱۴۲۷
۲۱. کورانی، علامه، عصر ظهور، مترجم مهدی حقی، تهران، الهدی، ۱۳۸۳
۲۲. گروه پژوهش موسسه فرهنگی موعود عصر (عج)، یاران امام زمان (ع)، تهران، موعود عصر (ع)، چاپ سوم، ۱۳۹۴
۲۳. مروجی طبسی، محمدجواد، بامداد بشریت، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۳
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت موسسه وفاء، ج ۵۳، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۴۳
۲۵. مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، صدرا، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۷

۲۶. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، صدرا، چاپ سی و دو، ۱۳۸۵
۲۷. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر (عج)، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۸، ق
۲۸. موسوی زنجانی، سید ابراهیم، عقاید الامیه الاثنی عشریه، انتشارات حضرت مهدی
۲۹. میرجهانی طباطبائی، محمدحسن، نواحی الدهور، کتابخانه صدر، ج ۲، ۱۳۸۰
۳۰. نعمانی، محمد، غیبت نعمانی، مترجم سید احمد فهری زنجانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹
۳۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) از دیدگاه روایات، قم، پرهیزکار، ۱۳۸۰
۳۲. هندی، علاءالدین، کنز العمال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق
۳۳. ۱۳۸۰
۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳